

مسجد و بارگاه‌ها در دوره عضدالدوله

شامل نریمان اف.

چکیده

با ظهور دین اسلام در شبه‌جزیره عربستان، خانه خدا نخستین مرکز آموزشی در اسلام محسوب می‌گشت. بعد از آن فعالیت مسجدالنبی شروع شد و سپس مساجد، به مرکز فعالیت چندجانبه مسلمانان تبدیل شدند. کارهای مهم مسلمانان مانند حل مشکلات مردم، قضاؤت و یادگیری علم، از فعالیت‌های مساجد اوایل اسلام بود. به علت جلوگیری از ایجاد مراحمت برای عبادت‌کنندگان، زیاد شدن داشت طلبان در زمینه‌های علمی مختلف و پرداختن به مسائل علمی که انجام دادن آن در مساجد ممکن نبود، مسلمانان برای آموزش، به مکان‌های دیگر پناه بردن. این مکان‌ها در قرن چهارم هجری با اسمی گوناگون در منابع تاریخی ثبت شده‌اند. آموزش در اسلام به یک گونه از مکان محدود نبوده، بلکه مراحل مختلف را طی کرده است. دولت‌های مسلمان در هر عصری، در تأسیس این مکان‌ها و مراکز علمی مشوق یک‌دیگر بوده‌اند.

عضدالدوله سلطان مقتدر آل بویه، در قرن چهارم هجری، در قلمرو حکومت خود، اقدامات عمرانی انجام داد که در تاریخ اهمیت دارد. چندی از آثار عمرانی او تا امروز هم بر جای مانده و توجه جهان‌گردان را جلب کرده است. این مقاله، اقدامات عمرانی عضدالدوله در زمینه بارگاه‌ها و مساجدی

را بررسی می‌کند که در رشد و پیشرفت تمدن اسلامی در آن دوره مؤثر بودند.

واژگان کلیدی:

بارگاه‌ها، مساجد، تمدن اسلامی، عضدادوله، آموزش.

مقدمه

پاسداری از آثار تاریخی مسلمانان به وسیله دستاوردهای فرهنگی آنان و حفظ و صیانت از میراث گران‌بهای مسلمانان، سعی و تلاش کافی را می‌طلبد. آثار تاریخی، بیان روشن و صحیح حقایق گذشته را برای نسل‌های آینده تضمین می‌کند. حفظ آثاری که خاطره رهبران و شخصیت‌های یگانه تاریخ هر امتی را جاودانه می‌سازد و نشانه‌هایی که حوادث مهم تاریخی را بیان می‌کنند، به کوشش زیاد پژوهش‌گران اسلامی نیازمند است. دین مقدس اسلام، به تعظیم شاعر اسلامی اهمیت داده تا گذشته موحدان را به آینده پیوند دهد و نسل‌های آینده بتوانند با مشاهده و مطالعه، سوابق دیرینه فرهنگ گذشتگان خویش را بررسی کنند و تجارب شایسته آنان را که حاصل قرن‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر بوده، در زندگی اجتماعی خود به کار گیرند.

برپایی مراسم دینی و مجالس مناظره، از کارهای فرهنگی دولت آل بویه بود. با حمایت عضدادوله از علم و تمدن، ساختن مراکز عبادی و مذهبی در قرن چهارم هجری، در قلمرو حکومتی خلافت اسلامی افزایش یافت. در این مقاله، نقش عضدادوله در ساختن مساجد و بارگاه‌ها بررسی می‌شود.

الف. مساجد

مسجد در صدر اسلام، علاوه بر عبادت، محل مشورت مسلمانان برای حل مشکلات جامعه و بحران و مسائل روزانه آنان بود و از آن برای گفت‌گو و تصمیم درباره جنگ و قضاوی میان مجرمان استفاده می‌شد.^۱ علاوه بر اینها، مسجد مهم‌ترین مرکز علمی اسلام و مسلمانان به شمار می‌رفت و نخستین فضای درس، بحث و تدریس در اسلام بود. تدریس اوقاتی در مساجد برپا می‌شد که مزاحم فعالیت‌های عبادی نشود. در مجلس درس ابوحامد احمد بن محمد اسفراینی (متوفی ۴۰۶) در مسجد عبدالله مبارک در بغداد، چهارصد فقیه حضور داشتند و شاگردان دور استاد حلقه می‌زدند و هر حلقه به نام مدرس همان

۱. صلاح، الجودر، مساجد المحرق، تاریخ و آثار، ص. ۹.

حلقه نامیده می‌شد. در مساجد بزرگ، گاه چند حلقه تشکیل می‌گشت و در هر کدام، موضوع خاصی تدریس می‌شد.^۱

در قرن‌های بعد که مسلمانان علوم مختلف را یاد می‌گرفتند و مانند علم طب که آزمایش‌های پزشکی ضروری بود، کم کم مدارس علمی در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی شروع به فعالیت کردند و مساجد را به اسم اصلی برگرداندند و تعدد مکتب‌های مذهبی و فلسفی، ضرورت تعليمات کلاسیک، از دیاد طلاب در زمینه‌های مختلف علمی و غوغای طلاب که شاید ناراحتی عبادت‌کنندگان را باعث می‌شدند و رقابت بین خلفاً و سلطاطین، عامل اصلی خارج شدن جلسات علم و درس از مساجد، به مکان‌های دیگر و مدارس بودند.^۲

در اصفهان عصر آل بویه، مساجد جامع به داشتن حلقه‌های درس آباد بودند نصر بن محمد معروف به ابن نصرویه که حافظ ابونعمیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ ق) از او سمع حدیث کرده، به مدت بیست سال در جامع بزرگ این شهر به مذهب شافعی افتاد و تدریس می‌نمود.^۳

مسجد جامع صغیر معروف به جورجیر، از ساخته‌های صاحب‌بن‌عماد، وزیر دانشمند بویهیان به شمار می‌آید که از نهادهای آموزشی در اصفهان عصر آل بویه است.^۴

در آن زمان، مساجد شخصی و نیز مساجد جامع که غالباً دولتی بودند، مانند عصرهای پیشین، در حکم دانشگاه‌های عمومی، بیشترین فعالیت‌های آموزشی در حوزه علوم دینی و مذهبی و ادبی را به خود اختصاص می‌دادند. مساجد جامع شیراز که به دستور عمرولیث صفاری ساخته شد، از همان آغاز محل آموزش‌های دینی گردید.^۵ مقدسی آن را چنین توصیف می‌کند:

شیراز مسجد جامعی دارد که در هشت اقلیم نظیری ندارد و مانند آن یافت نمی‌شود و دارای ستون‌هایی مانند ستون‌های مسجد الاقصی است^۶

از گزارش‌های مقدسی معلوم می‌شود که مجالس قرائت و ختم قرآن، هر بامدادان در این مساجد آدینه، جلوه و شکوه خاصی داشته است. شیرازیان پس از نماز عصر و مغرب و نیز روزهای آدینه، مجالس درس و دعا و آیین‌های صوفیانه در آن

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۵، ص ۳۶۶.

۲. حسین، سلطان زاده، *تاریخ مدارس ایران*، ص ۱۵۱.

۳. ابونعمیم، اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۷۶۹.

۴. ما فروختی، *محاسن اصفهان*، ترجمه‌آوی، ص ۳۶۳.

۵. احمد، زرکوب، *شیرازنامه*، ص ۱۵۲.

۶. مقدسی، *حسن التقاضیم فی معرفة القالمیم*، ص ۳۵.

داشته‌اند.^۱ عضدادوله که پایتخت او شیراز بود، بعيد است که در این حرکات فرهنگی نقش اساسی نداشته باشد.

مافروخی درباره جامعه عتیق اصفهان که از یادگارهای آغاز اسلام است می‌گوید:

بر ستوانی ازو مستند شیخی بودی، مزین و آراسته و محلی پیراسته به نظارت مناظره
فقها و حیله طارحه علماء و جلادت مجادله متكلمان و صحت نصیحت واعظان و
حریران مجازات صوفیان و بشارت اشارت عارفان و زینت ملازمت متعکفان و
جماعتی تمام از اهل اصفهان جهت استفاده ریاضت نفس، به زانوی ادب درآمده،
حلقه درس او در گوش هوش می‌کشیدندی ...^۲

جامع دارالخلافه بغداد، از ساخته‌های منصور عباسی در این دوره، چنان فعال بود که خطیب بغدادی آرزو می‌کرد که در آن توفیق املای حدیث یابد.^۳ در تاریخ بغداد به موارد بسیاری از نشسته‌های محدثان و فقیهان شافعی، حنبیلی و ظاهری و مجالس ادبی در این جامع اشاره شده است.^۴ جامع گرگان نیز در قرن چهارم هجری فعال بود و عبدالرحمن بن نجیع ثقیقی، امامت و تأدب مردم را در آن بر عهده داشت.^۵ مسجد جامع برائی، از کانون‌های آموزش شیعیان در بغداد به شمار می‌رفت^۶ که به احتمال زیاد، در زمان عضدادوله فعالیت آن زیاد بوده است.

مسجدالکبیر در درب السلوی، خیابانی در قطیبه‌الریبع (محله‌ای از کرخ) قرار داشت. اسحاق بن سعد در سال ۳۷۱ هجری در سر راهش به مکه از بغداد دیدن کرد و در این مسجد تدریس نمود.^۷ در همان سال، عضدادوله بیمارستان خودش را در بغداد افتتاح کرد، علاوه بر آبادانی، دستور داد مساجد را هم تعمیر کردند. بعيد نیست که این مسجد هم از حمایت عضدادوله دور نمانده باشد. مسجدی در سوق‌العتیق یا مسجدی در کهنه‌بازار به نام بازاری که در آن قرار داشت، معروف بود. این مسجد را شیعیان بغداد اداره می‌کردند. و از کانون‌های آموزشی شیعه در بغداد به شمار می‌آمد.^۸

۱. همان.

۲. محسان اصفهان، ص ۶۲.

۳. یاقوت، حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. منیرالدین، احمد، نهاد آموزش اسلامی، ص ۱۶۵.

۵. سهمی، تاریخ جرجان، ص ۴۷۳.

۶. نهاد آموزشی اسلامی، ص ۱۸۲.

۷. همان، ص ۱۸۱.

۸. همان.

مسجد در آن دوره زیاد هستند اما سعی کردیم مساجدی را بیاوریم که در قلمرو حکومتی عضدادوله بوده و وی در آن نقش داشته است. مسجدی که عضدادوله به تعلیم در آن نقش داشته، در گزارش‌های تاریخی یافت نشد، ولی از این گزارش‌ها معلوم می‌شود که فعالیت علمی و فرهنگی در آن عصر در مساجد، زیاد بوده و عضدادوله هم از آن پشتیبانی می‌کرده است.

ب. مکتب

در زمان قدیم، محلی برای تحصیل کودکان وجود داشت که به آن مکتب یا مکتبخانه می‌گفتد.^۱ مکتب اتاق کوچکی در جنب مسجد یا نزدیکی بازار و یا در جای دیگر بود. بچه‌ها در هفت سالگی به مکتب فرستاده می‌شدند. در بعضی از جاهای از تشکیل مکتب در داخل مسجد جلوگیری می‌شد. زیرا در بعضی از مساجد، اتاق دیگری وجود نداشت و در خود مسجد درس می‌خواندند. معلم مکتب بایست متدين، صالح عمل و متأهل هم باشد. در مکتب اول حروف الفبا و بعد قاعده‌های شکل آن و سپس سوره‌های کوچک قرآن را به شاگردان یاد می‌دادند. سپس عقاید، اصول دین، حساب و نوشتن درس‌ها را از روی سرمشق، به آنها القا می‌کردند، به آنها اخلاق اسلامی و ادب رفتار در منزل و اجتماع یاد می‌دادند و اگر شاگردی بی‌ادبی می‌کرد و یا درس نمی‌خواند، با چوب به کف پای او می‌زندند. مکتب دو نوع بود: یکی برای یادگیری خط که تعلیم حساب و صرف و نحو را به همراه داشت و دیگری یادگیری و حفظ قرآن بود که معمولاً بچه‌های کوچک را به این کار و ادار می‌کرد.^۲

کودکان از مکتب خوششان نمی‌آمد و گریزان بودند چون از معلم خود می‌ترسیدند. هر مکتب مهتری داشت که به معلم کمک می‌کرد و یکی از وظایف مهتر، این بود که اسامی حاضران در مکتب یا مجلس درس را ثبت می‌کرد و اسم کسانی که به درس گوش می‌دادند یا نمی‌دادند، یادداشت می‌کرد.^۳

خلفا، سلاطین، وزیران و بزرگان، کودکان خود را به مکتبخانه‌های عمومی نمی‌فرستادند. آنها معمولاً برای اولاد خود، معلم خصوصی می‌گرفتند و در انتخاب معلم خیلی دقیق می‌کردند که از لحاظ ادب و علم، از فضلا و ادبی بزرگ باشند. این عیید ادیب

۱. نورالله، کسایی، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، ص: ۲۹۰؛ احمد، شبی، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۵

۲. نهاد آموزشی اسلامی، ص: ۶۲-۶۳؛ علی اصغر فقیهی، تاریخ آل بویه، ص: ۴۹۰.

۳. علی اصغر، فقیهی، آل بویه اوضاع زمان اشنان، ص: ۴۹۴.

و دانشمند معروف که در دستگاه آل بویه در اصفهان، ری و همدان رتبه وزارت داشت، قبل از رسیدن به مقام، به فارس فراخواند شد تا ادب و آیین کشورداری، به عضدادوله یاد دهد و عضدادوله هم به پاس این حق تعلیم، همواره از وی با عنوان استادالرئیس یاد می‌کرد.^۱ یاقوت حموی از ابوزید احمد بن سهل بلخی نام می‌برد و می‌گوید که همه علوم قدیم و جدید، یعنی علوم اسلامی و غیراسلامی را می‌دانسته و در مکتب به کودکان تدریس می‌کرده است.^۲ جاحظ نیز از معلممانی نام می‌برد که اکثرشان ادیب، فقیه و خطیب بزرگی بودند که به کودکان آموزش می‌دادند.^۳

مکتب یا مکتبخانه مثل هر دوره در زمان عضدادوله وجود داشت. بعد از این که آموزش به صورت مدرسه درآمد، باز از این مکتبها استفاده می‌شد. در این وقت، مکتب ضمیمه مدرسه می‌گشت و برای یادگیری حروف الفبا، خواندن قرآن، آداب و اخلاق اسلامی، از این مکتبها استفاده می‌شد. و بعد هر کس می‌خواست در مقاطع بالاتر تحصیل کند، به مدرسه می‌رفت.^۴

ج. اماکن مقدسه

عضدادوله در سال ۳۶۸ هجری، دستور داد تا بناهای قدیمی فرسوده را در بغداد تخریب کنند و به جای آن بناهای تازه بسازند و مساجد و بازارهای بغداد را بازسازی کنند. وی به اصحاب ملوکها امر کرد تا امارتشان را خراب کنند، کانال‌ها را بازسازی نمایند و چاهها را دوباره تمیز کنند. عضدادوله برای راحتی مسافران، راه مکه و عراق را امن ساخت، به کسانی که به مسجد پناه می‌برند و به قربا و ضعفا، کمک مالی کرد و بی‌گناهان را از زندان آزاد نمود و به همسایه‌های ضعیف مکه و مدینه کمک مالی کرد. وی آبادانی مرقد مطهر علی^{علیہ السلام} و امام حسین^{علیہ السلام} اطراف آن دو مرقد را وظیفه خود دانست. او برای فقیهان، شاعران، فیلسوفان، نسبشناسان، نحویان، قاریان، طبیبان، ریاضی‌دانان، مفسران، محدثان، متکلمان و مهندسان، حقوق مقرر کرد و به وزیر نصرانی خود دستور داد تا محل عبادت مسیحیان را تعمیر کند و به فقرای آنان هم کمک مالی نمود.^۵

۱. مسکویه، تجارب الامم، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. معجم الادب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. ابن عثمان جاحظ، البيان والتبيين، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴. عمرهنج نهادهای آموزشی ایران، ص ۵۵۴.

۵. الكامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۷۰؛ تجارب الامم، ج ۲، ص ۴۰۴. احمد، بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۰۰.

مکان‌های مقدسی که در زمان وی ساخته یا بازسازی شدند، عبارتند از؛

۱. مساجد

اماکن مقدسه، در صدر برنامه اقدامات عمرانی عضدادوله قرار داشت. ساختن مرقد و گنبد بر قبور ائمه و امامزاده‌ها، جدایگانه بحث خواهد شد. اما مسجدی که ساخت یا تعمیر آن به عضدادوله نسبت داده شود فقط در مورد کرمان وجود دارد. وی در بغداد هنگام دستور به آبادانی، مساجد را هم در نظر گرفت. منابع نیز به صورت عمومی به این دستور عمرانی اشاره کرده‌اند که ذکر آن گذشت.

ساخت مسجد ملک، یکی از آثار تمدنی عضدادوله در کرمان به شمار می‌آید و ظاهراً الان هم اثری از آن باقی است.^۱ هم‌چنین مناره مشهور مسجد جامع قدیم سیرجان را هم عضدادوله بنا نمود که قزوینی از آن را تعریف می‌کند.^۲ بر اساس منابع عضدادوله اولین نفری است که بعد از خراب شدن سد مدینه رسول بعد از ۳۶۰قمری در زمان الطائع لله آن را ساخت.^۳

۲. بارگاه امام علی^{علیه السلام}

خلفای عباسی با سخت‌گیری شدید بر علویان زندگی آنان را با ناراحتی مواجه می‌ساختند. خلیفه معتصم، کمک‌های مالی خود به آل علی در عراق را قطع کرد و بازسازی مشاهد دو امام را در نجف و کربلا را هم اجازه نداد. به طوری که بنای مقبره آن دو بزرگوار بسیار کوچک و نامتناسب با مقام و شیوه‌نوات آنان نمود و به تأسیس ساختمان‌های سلطنت و استیلا بر عراق، توجه خاصی به مشاهد امامان نمود و به تأسیس ساختمان‌های باشکوهی بر روی آنها اقدام کرد. چنان‌که مقبره حضرت علی^{علیه السلام} را که میان بازار قرار گرفته بود و دکان‌های بسیار پیرامون آن ساخته بودند، بازسازی کرد و فرمان داد تا پس از مرگش او را در مجاورت آن مرقد مطهر مدفن سازند.^۴

عضدادوله نخستین کسی بود که قبر امام علی^{علیه السلام} را آشکار کرد و مرقد بر آن ساخت و اموال زیادی بر آن وقف کرد.^۵ به نظر می‌رسد قبر آن حضرت در زمان امام صادق^{علیه السلام} و

۱. ابراهیم، بلوشی، کرمان فی عهد البویهی، ص ۱۹۷.

۲. علی اکبر، بختیاری، سیرجان در آیینه زمان، ص ۷۰.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۴۸۰. تاریخ ابن الغدام، ج ۲، ص ۲۴. سمهودی، خلاصه الوفا باخبر دارالمصطفی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴. ابن خلکان، وقایات الاعیان، ج ۲، ص ۴۸۴ به نقل از آن بویه در بغداد، مفیض‌الله کبیر، ص ۱۰۶. ابن طاووس، فرجه الغرای، تحقیق تحسین آل شیبی موسوی، ص ۱۷.

۵. وقایات الاعیان، ج ۱، ص ۴۵۴. صدیقی، الوافق بالوقایات، ج ۷، ص ۱۹۰.

زمان هارون الرشید آشکار شده^۱ ولی گند روی آن را عضدادوله ساخت، همان طوری که ابن خلکان و صدی هم به این اشاره کرده‌اند.

عضدادوله در آبادانی شهر نجف کوشش کرد و سپاهش نزدیک به یک سال در نجف ماندند. وی عماران و صنعت‌گران را احضار کرد و با صرف اموال بسیار، بنایی بسیار نیکو روی مرقد مطهر و اطراف آن برپا نمود و دیوارهای مرقد مطهر را با چوب ساج نقش و نگاردار پوشانید و اوقافی برای آن معین کرد. این بنا تا سال ۷۵۳ هجری برپا بود.^۲

دانشمند معروف زمخشری می‌گوید:

عصف الدوله عالم به عربیت و شاعر بود و قبر علی^{علیه السلام} را در نجف ظاهر نمود و بر آن گند ساخت و عزاداری در عاشورا را برپا نمود و آبادانی زیاد انجام داد و پل‌ها و فاضلاب‌ها را از نو بنا کرد و بر شهر رسول خدا^{علیه السلام} سد ساخت.^۳

بر اساس بُرخی تحقیقات، قبل از عصف الدوله، ضریح و گند بر قبر مبارک امام علی^{علیه السلام} ساخته شده و اما وی در سال ۳۶۶ هجری، ساختمان‌های بسیاری در حرم آن حضرت تأسیس کرد و در واقع، مفصل‌ترین کارهای ساختمانی در روضه منوره تا این دوران، به وسیله او انجام شد. از جمله بر قبر مطهر، گند سفیدرنگ آجری ساخت با چهار در و ضریحی از نقره و قنادیل طلایی و فرش‌های بسیاری بر روضه منوره وقف کرد و اطراف صحن را نیز به وسیله رواق‌هایی آراسته گردانید و تزیینات گچبری و کاشی کاری بر روضه منوره اضافه کرد.^۴

عبدالله نیز در کتاب *لؤلؤ الصدق فی تاریخ النجف* آورده که عصف الدوله چون به زیارت نجف شرف‌یاب شد، مدتی در آن‌جا اقامت نمود و به اطراف عالم نوشت تا هر کجا استاد، و معمار و نجار قابلی بود، احضار کردند و عمارت‌های قبلى را خراب نمود و از هندوستان چوب صندل و چوب‌های قیمتی بسیار طلب کرد و عمارتی با اسلوب بدیع و طرز جدید از چوب بنا نمود و چون فارغ شد، مبلغی در صندوق مطهر ریخت و حکم داد تا سادات آن بلده شریفه را به حساب بیاورند و آن مبلغی که در صندوق مطهر بود، بین ۱۷۰۰ نفر تقسیم کردند؛ هر کدام ۲۱ درهم سهم بردند و پانصد هزار درهم بر مجاوران^۵

۱. جعفر، دجلی، *موسوعه النجف الاشرف*، ج ۳، ص ۱۷؛ حمدالله، مستوفی، *نزهه القلوب*، ص ۷۱.

۲. علی اصغر، فقیهی، چگونگی فرمانروایی عصف الدوله، ص ۱۳۳؛ آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱۶، ص ۱۸۹.

۳. ربيع الابرار، ص ۲۵. سیوطی، *بغیه الوعاء*، ص ۲۷۴. خیرالدین، زرکلی، *الاعلام*، ج ۵، ص ۱۵۱؛ ذہبی، *سیر اعلام*

النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵۰.

۴. شالچی و دیگران، *نجف کانون تشیع*، ص ۷۵.

قسمت کرد و پانصد هزار درهم بر فقرای زوار که تقسیم نمود و هزار درهم به مرثیه‌خوانان، عطا کرد و سه هزار درهم بر قراء و فقهاء تقسیم نمود و به هر یک از خدام و خزانه‌دار و نواب آن آستانه، عطای جزیل نمود و چون تعمیر حرم مطهر به اتمام رسید، اشراف، اعیان و علمای بنداد را دعوت کرد و جشن عظیمی گرفتند. همه در داخل قبه مطهره نشسته بودند و شرعاً و ادباً هر کدام به مقدار وسع خود مدیحه انشاد می‌کردند و علمای شیعه از قبیل سید مرتضی علم الهدی و علمای عame آنها را تحسین می‌کردند.^۱

۳. بارگاه امام حسین

همان‌طور که اشاره شد، علوبیان در زمان عباسیان زندگی راحتی نداشتند. متوكل خلیفه عباسی به شیعیان تنفر شدیدی نشان می‌داد و با افکار شیعی مخالفت می‌کرد. او چند بار قبر امام حسین علیه السلام را ویران ساخت و در جای آن به کشت و زرع دستور داد.^۲ در سال ۳۶۸ هجری، عضدالدوله قبه‌ای دارای صحن و ضريح از عاج بر قبر مبارک امام حسین علیه السلام ساخت و خانه‌های اطراف آن را تعمیر کرد و به دور شهر حصار کشید.^۳ در بعضی از کتاب‌ها آمده که عضدالدوله در زمان حکمرانی خود، قبر امام حسین علیه السلام را مرمت کرد و منازل اطراف آن را تعمیر نمود.^۴

به کفته ملک الشعرا، عضدالدوله به زیارت قبر مبارک امام حسین علیه السلام رفت و قبر مبارک آن حضرت را مرمت کرد.^۵ فقط دو یا سه کتاب تاریخی به این نکته اشاره کرده‌اند، ولی از گزارش‌های مذکور معلوم می‌شود که عضدالدوله، قبر امام حسین علیه السلام را تعمیر کرده، چون گزارش‌ها بیشتر به کلمه مرمت اشاره می‌کنند.

۴. بارگاه کاظمین

در سال ۳۶۹ هجری بر اثر طغیان رودخانه دجله، قسمت‌های زیادی از طرف شرق بغداد را سیلاخ گرفت و قبور در طرف غرب دجله را از بین برد.^۶ عضدالدوله دیواری بر اطراف حرم مطهر امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام ساخت تا از خطر ضربات بعدی حفظ شود.^۷

۱. المؤثر الصادق فی تاریخ النجف، ص ۴۸.

۲. ابوالفرح، اصفهانی، مقائل الطالبین، ص ۹۵؛ مسعودی، مروج الذهب، ص ۵۱؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۷؛ نویری، نهایه الأرب فی فنون الادب، ج ۶ ص ۲۴۱.

۳. لسترنج، سرزمنی‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، ص ۸۵؛ حسن خان، جابری، تاریخ اصفهان و روی، ص ۱۶.

۴. سلمان هادی، طعمه، تراث کربلا، ص ۳۶.

۵. مجمل التواریخ و القصص، ص ۴۰۱.

۶. الكمال فی التاریخ، ج ۷ ص ۳۷۰.

۷. تجارب الامم، ج ۶ ص ۴۰۷، به نقل از محمدحسن، آل یاسین، تاریخ حرم کاظمین، ترجمه غلامرضا اکبری، ص ۲۸.

۸. روضات الجنات، به نقل از محمدالنقذی، در تاریخ الامامین الكاظمین، ص ۱۵.

نویسنده تاریخ کاظمین می‌گوید:

بعید نیست عضدادوله، کارهای دیگری در حرم مطهر آن بزرگواران انجام داده باشد، چون عضدادوله سال ۳۶۹ هجریف دستور به ساخت و ساز بناهای اطراف بغداد و خیابان‌ها داد و بارگاه مبارک آن بزرگواران نیز در حال خرابی بود، استوار ساخت.^۱

۵. بارگاه علی بن حمزه

سیدعلی بن حمزه بن موسی‌الکاظم^{علیه السلام} یکی از امامزادگان مدفون در شهر شیراز است که در کتاب‌های آثار تاریخی شیراز و مزارات آن وجود دارد.^۲ در توصیف این بنای تاریخی گفته‌اند که از درب کهنه قدیمی که وارد این بنا می‌شویم، ابتدا دهليزی دیده می‌شود و بر بالای درب ورودی صحن، سنگ قرمزی نصب شده که روی آن به عربی نوشته: «قیل لابراهیم عليه السلام بما اتخاذک الله خلیلاً قال و ما تعذیت و ما تشیعت الا مع الضیف»؛ «به حضرت ابراهیم گفته شد، برای چه خدا را برای خودت دوست گرفتی؟ گفت چون غذا نخورد و زندگی نکرد مگر با مهمان».

حياطی وسیع، با چندین درخت کاج و سرو، در داخل صحن قرار دارد و مرقد مطهر این امامزاده رو به روی درب ورودی واقع شده و عبارت است از: تالاری وسیع در وسط و چندین زاویه و اتاق‌های کوچک دوطبقه گوشواره‌ای در اطراف مرقد مطهر در وسط تالار قرار دارد که روی آن را ضریحی از چوب و فولاد و خاتم زینت داده است. بعدها تعمیراتی روی این بنا انجام شد. به گفته دکتر بهمن کریمی این بقعه و بنا از زمان عضدادوله به یادگار مانده و همه تاریخ‌نگاران که از این بنا اسم می‌برند و به آن عقیده دارند.^۳

۶. گنبد شاه‌چراغ

سید میراحمد فرزند امام موسی کاظم^{علیه السلام} معروف به شاه‌چراغ، اکنون در کنار فلکه‌ای در وسط خیابان احمدی شیراز واقع است. قبر این امامزاده را در زمان سلطنت عضدادوله کشف کردند و بقعه‌ای بر آن ساختند.^۴ بر روی دیوارهای آن خطوط بسیاری ماند ثلث،

۱. همان.

۲. میرزاحسین، فسایی، فارس‌نامه ناصری، ج ۲، ص ۱۱۸۹. سید محسن، امین، اعيان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

۳. همان، ص ۵۳. التبریزی الى تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵ و ج ۷، ص ۶۴ سید ابراهیم، موسوی، تذکره الجامع الانساب، در تاریخ چه امامزاده‌ها، ص ۴۵.

۴. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۷۶؛ شیخ عباس، قمی، الکتب و الالقاب، ص ۳۲۲. نزهه القلوب، ص ۱۳۸ و ۳۸۵، شیرازی، فرضه‌الadolه، آثار العجم، ص ۴۴۴، ابن بطوطه، تحفه الناظر فی غرائب الامصار و صحاب الاسفار، ص ۱۲۸. معین‌الدین، شیرازی، شدالازار خط خط الاوزار عن زوار المزار، ص ۲۰۸.

نسخ، نستعلیق، با قلم‌های درشت و ریز در نهایت زیبایی بر روی کاشی یا کاغذ و یا آینه نوشته شده که همه از شاهکارهای هنری است؛ بهویژه دور تادور زیر گنبد، سوره فتح به خط ثلث را از آینه بربدهاند و روی زمینه آبی نصب کرده‌اند همچنین آینه کاری‌های سردر و داخل حرم و به ویژه مقرنس کاری از نظر صنعت و هنر آثار ارزشمندی است. سر درب ورودی به حرم کاملاً آینه کاری شده و در تاق آن با آینه مقرنس کاری گردیده است. داخل حرم، از اره‌ها از سنگ مرمر پوشیده شده و تمام تاق‌ها و دیوارها آینه کاری است و در سقف‌های آن مقرنس کاری وجود دارد. از همه این‌ها مهم‌تر، ضریح مطهر و درب‌های نقره آن است. سه درب نقره قلمزنی گل‌بوته‌ها و خطوط برجسته‌بی‌نظیر است و بعدها درب‌های طلایی ساختند و تعمیراتی در آن انجام شد.^۱

بر اساس منابع تاریخی، این امامزاده بزرگوار در زمان سخت‌گیری عباسیان به شیعیان، در شیراز شهید شدند و در همان جا مدفون گشتند.^۲ بعضی از این منابع، به کشف قبر ایشان در زمان سلطنت عضدالدole، اشاره کرده‌اند. این منابع داستانی نقل می‌کنند که در زمان او، پیروزی به قصر وی می‌آید و خبر می‌دهد که در نزدیکی خانه‌اش، تپه‌ای است و هر شب چراغی در آن می‌بیند که خود به خود روشن است. عضدالدole برای اطمینان خاطر، شب به خانه پیروز می‌رود و آن را مشاهده می‌کند. وی به دانشمندان دربار دستور می‌دهد تا در این زمینه تحقیق نمایند. آنها بعد از تحقیق می‌گویند، در نزدیکی آن تپه، کوهی است که شیخی به نام محمدبن خفیف معروف به شیخ کبیر به ریاضت و عبادت مشغول است و او در این باره علم خوبی دارد. آنها پیش شیخ می‌روند و از او در این باره می‌پرسند. او می‌گوید: «این جا قبر امامزاده میراحمد^{علیه السلام} است». عضدالدole دستور می‌دهد آن تپه را بشکافند و سپس به یک لوح از سنگ یشم می‌رسند که بر آن نوشته بود: «السید امیر احمد بن موسی الکاظم^{علیه السلام}». چون سنگ را بر می‌دارند، سردازی عمیق آشکار می‌شود و بدن سید احمد^{علیه السلام} در آن سالم نمایان می‌گردد که انگشتی هم در دست مبارکش داشته و بر نگین آن «العزه لله، احمد بن موسی» منقش بوده است. عضدالدole دستور می‌دهد بر قبر آن بزرگوار مرقد بسازند، به همین دلیل به گنبد شاهچراغ معروف شد.

جربیانی نیز نقل می‌کنند که برای شناسایی بدن آن بزرگوار از شیخ کبیر استفاده می‌کنند و انگشت را هم برای افزایش برکت در دولت عضدالدole، به واسطه شیخ کبیر

۱. همان.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۷؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۹۲.

درمی آورند و به خزانه دولت می فرستند و مدتی بعد از ناپدید شدن انگشت‌تر هم شیخ کبیر، تاجی از سید احمد علی^۱ می‌گیرد و به خزانه دولت عضدادوله تحويل می‌دهد.^۲

احمد زرکوب در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم می‌زیسته، می‌گوید:

مقرب‌الدین مسعود بن بدر از خاصگان و مقربان اتابک سعد بن ابی‌بکر سعد بوده و در زمان ساخت عمارت، قبری یافت. قبر را شکافت و بدن سالم را مشاهده نمود و انگشت‌تری در دست او دید که «احمد بن موسی» به آن منقش بود و قصبه را به اتابک ابوبکر تعریف کرد و اتابک ابوبکر دستور داد مشهدی بر آن قبر بسازند.^۳

دیگر پژوهش‌گران آثار تاریخی شیراز نیز با تقلید از شیرازنامه زرکوب شیرازی، کشف قبر و ساخت امامزاده احمد علی^۴ را به مقرب‌الدین مسعود بدرالدین وزیر اتابک نسبت می‌دهند.^۵ اما علی‌اکبر تشید پس از نقل این منابع، یک جمع‌بندي می‌آورد که تحلیل منصفانه‌ای است. او می‌گوید:

سلطان آل بویه در قرن چهارم هجری طلوع کرده و ابوبکر اتابک در سال ۷۰۰ هجری بعد از فتنه مغول بر شیراز تسلط داشته است و ممکن است در فتنه هلاکو که تمام ایران، قتل عام و شهرها ویران و خراب گردید، بنایی که عضدادوله ساخته، از بین رفته باشد و مجدداً به طریق نقل کتاب شیرازنامه و بقیه، در دوره ابوبکر اتابک کشف شده باشد.^۶

پژوهش‌گر محترم آفای یاسین زاهدی در پایان نامه خود مطالبی را ذکر کرده که کشف قبر در زمان عضد الدوله را تأیید نمی‌کند. وی می‌گوید:

امامزاده احمدبن‌موسى‌الکاظم علی^۷ که به میراحمد یا سیداحمد معروف است، در قرن هفتم به بعد، این «میر» یا «سید» به وجود آمده است. وجود محمدبن‌خفیف یا شیخ کبیر در آن زمان محل تردید است. خواب دیدن او امامزاده را و گرفتن تاج از او هم توسط شیخ کبیر یک افسانه است و اشاره نکردن شیرازنامه و محققان تاریخ شیراز بر این امر در زمان عضدادوله نیز بر عدم صحت این امر دلالت دارد.^۸

اما ابن‌بطوطه در زمان سیاحت خود از مناطق جهان اسلام، از مقبره‌ای در شیراز نام می‌برد و آن را به شیخ کبیر محمدبن‌خفیف متعلق می‌داند.^۹

۱. محمد، مجددالاشراف، آثار الاحمدیه، ص ۱۰؛ محمدبن‌حسین، رستگار، پارگار نور، ص ۳۲.

۲. شیرازنامه، ص ۱۵۰.

۳. بهمن، کریمی، راهنمای آثار تاریخی شیراز، ص ۸۱؛ کرامات‌الله، افسر، تاریخ بافت قدیمی شیراز، ص ۷۲؛ علی‌نقی، بهروزی، بنای‌تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، ص ۱۶۱.

۴. قیام سادات علوی، ص ۱۶۹.

۵. فرزندان امام موسی‌کاظم علی^{۱۰}.

۶. رحله، ص ۲۱۳.

شیرازنامه و کتاب‌های بعدی درباره تاریخ شیراز، به شیخ کبیر محمدبن خفیف در زمان عضدادوله اشاره کرده و نوشه‌اند، عضدادوله خیلی به او احترام می‌کرد.^۱ شاید احترام عضدادوله به او، به سبب همان جریان کشف قبر باشد. شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار یکی از آثار نوشته شده در قرن هشتم هجری، به محمدبن خفیف معروف به شیخ کبیر اشاره کرده و تاریخ وفات او را ۳۷۱ هجری گزارش نموده^۲ که این هم نشان می‌دهد، شیخ زمان سلطنت عضدادوله را در ک کرده است.

۷. گنبد عضدی

عضدادوله گنبدی در شیراز ساخت که طول و عرض تمام داشت. علت نام گنبد آن بود که دوازده فیل جنگی داشت و در جنگ با قابوس، به موجب فیل‌ها پیروز شده بود. فیل‌ها در همان جا نگهداری می‌شدند و عضدادوله فیل‌ها را عزیز می‌داشت و در آن زمان، گنبد عضدی به فیل‌خانه عضدی معروف بود.^۳

گنبد عضدی در کوهی است که تنگه الله‌اکبر در آن قرار دارد. مردم شیراز به آن گهواره دیو، گهواره دید و نیز گنبد دید می‌گویند، ولی بر اساس گزارش‌ها، به گنبد عضدی معروف بود. عضدادوله این چهار تاق را برای تفرج یا بازدید سپاه خود ساخته بود.^۴

به گفته بعضی از پژوهش‌گران، گنبد عضدی غیر از گهواره دید است و تاریخ‌نگاران شیراز، اشتباهآن را یکی می‌دانند.^۵ از توضیحات برخی پژوهش‌گران درباره گهواره دید، معلوم می‌شود که این دو به هم ربطی ندارند و کاملاً برای دو هدف جداگانه ساخته شده‌اند.

این بنای چهار تاقی بر فراز کوه رو به تنگه الله‌اکبر واقع شده و چهار پایه دارد و از چهار سمت، چهار درگاه و بر بالای بقعه گنبدی بوده که الان خراب است. هر ضلع این چهار تاق، چهار متر عرض و چهار متر طول دارد و ارتفاع آن است غیر از گنبد سه متر و گنبدش نیز سه متر و نیم بوده که اکنون خراب است. به گفته برخی، اتابکان فارس آن را ساخته‌اند. که از گفتار فارسنامه، آثار عجم و شیرازنامه، استفاده می‌شود که این مکان از آثار عضدادوله و بسیار قدیمی است که برای خبر کردن به کار می‌بردند. در توضیح کاربرد این بنا، خاطرنشان می‌کنند در دوران باستان، از این قبیل بنای می‌ساخته‌اند و به اصطلاح

۱. شیرازنامه، ص ۹۵؛ بنای‌ای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، ص ۱۷۳؛ تاریخ بافت قدیمی شیراز، ص ۵۵.

۲. شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، ص ۳۸.

۳. شیرازنامه، ص ۳۴؛ عیسی، جنیدی، هزار مزار، ترجمه شدالازار، ص ۲۸.

۴. همان.

۵. همان.

تلگراف آن زمان بوده، یعنی شبها آتش می‌افروختند و در برابر آن، پرده‌های رنگارانگ می‌گرفتند که هر یک نشان خبری بود و در روزها به‌وسیله دود کردن، اوامر و احکام را از قله‌ای به قله دیگر خبر می‌دادند و این کار در زمان پادشاهان هخامنشی بسیار معمول بود. و ممکن است این اثر، از زمان آنان مانده و بعدها مرمت شده باشد.^۱ به هر حال، گنبد عضدی از آثار عضددالوله در تاریخ معروف است.

گهواره دیو تحریف «گهواره دید» است؛ زیرا محل نگهبانان و قراولانی بوده که برای حفظ و حراست از راهی که از تنگه الله‌اکبر می‌گذشت در آن مستقر بوده‌اند. گنبد عضدی بر فراز قله شرقی تنگه الله‌اکبر قرار دارد و به‌طوری که از تواریخ استنبط می‌شود در زمان سلطنت دیالمه راه و پاسگاهی در وسط تنگه الله‌اکبر ساختند و عضددالوله در آن، ساختمان کرد و برای کنترل آمد و شد، جای مسلطی به‌شمار می‌آمد. اکنون این بنا که بالای آن گنبدی کوچک دارد، به شکل تاق چهار ستون باقی مانده و در زیر گنبد و داخل چهار تاقی، جز مقداری سنگ و کلوخ چیزی وجود ندارد.^۲

نتیجه

در قرن چهارم هجری، به دلیل پستیبانی خلفا و سلاطین از علم و آموزش، تعداد مراکز علمی افزایش یافت. سلاطین آل بویه نیز اقداماتی را در زمینه‌های مختلف انجام دادند. عضددالوله، از سلاطین مقتدر آل بویه، از حمایت در زمینه فرهنگ و عمرانی قلمرو حکومتی خود دریغ نکرد. مساجد که مرکز اولیه علم در جهان اسلام بودند، در آن زمان زیاد بود و علوم مختلفی در آن آموخته می‌شد. در کنار این مساجد، مکتب نیز از مراکز آموزشی به شمار می‌رفت. حمایت عضددالوله تنها به گسترش علوم محدود نشد. او در ۳۶۹ کارهای عمرانی نیز از دیگر فرمان‌روایان جهان اسلام عقب نماند. وی در سال هجری در عراق دستور آبادانی داد. در نتیجه، بناهای فرسوده را تخریب کردند و جای آن بناهای جدید ساختند.

وی مشاهد امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و کاظمین علیه السلام را نیز تعمیر کرد. عضددالوله در شیراز بر قبر امامزاده علی بن حمزه علیه السلام و بنا بر قول برخی از مورخین بر قبر امامزاده احمدبن موسی‌الکاظم علیه السلام نیز مرقد ساخت. او به آبادانی شهرهای کاظمین، نجف، کربلا و پایتخت شیراز توجه خاصی نشان داد. گنبد عضدی، پل‌بند امیر و گهواره دید در تنگه الله‌اکبر در شیراز، از یادگارهای اوست که امروزه به عنوان یکی از نماد تمدن اسلامی، جهان‌گردان را به خود جذب می‌کند.

۱. فرضه الدوّله، آثار العجم، ص ۴۴۴.

۲. هزار مزار، ص ۲۹.

فهرست متابع

١. آل ياسين، محمدحسن، تاريخ حرم كاظمين، ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره جهانی حضرت رضا^{علیه السلام}، سال ١٣٧١ ش.
٢. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تحقيق محمدیوسف دقاقه، چاپ سوم؛ دارالكتب العلمیه، بیروت، ١٩٩٨ م.
٣. ابن بطوطه، تحفه الناظار فی غرائب الامصار و عجائب الأسفار، تحقيق درویش الجویدی، المکتبه العصریه، بیروت، ١٤٢٥ ق.
٤. همو، رحله، چاپ اول؛ دارصادر، بیروت، ١٩٦٤ م.
٥. ابن خلکان، احمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقيق احسان عباس، چاپ اول؛ دارصادر، بیروت ١٩٧١.
٦. ابن عثمان، جاحظ، البيان والتبيين، مطبعه الرحمنیه، دارالتراث العربي، بیروت، ١٩٦٨.
٧. ابن طاووس، فرحة الغری، چاپ اول؛ تحقيق تحسین آل شبیب موسوی، مرکز الفدیر للدراسات الاسلامیه، ١٤١٩ ق / ١٩٩٨ م.
٨. ابوالفداء، عماد الدین، المختصر فی أخبار البشر، چاپ اول؛ تحقيق محمود دیوب، دار الكتب العلمیه، بیروت، ١٩٩٧.
٩. احمد منیرالدین، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، چاپ اول؛ نگاه معاصر، تهران، ١٣٨٤.
١٠. اصفهانی، ابوالفرح، مقاتل الطالبین، منشورات المکتبه الحیدریه، نجف، ١٣٥٨ ق.
١١. اصفهانی، ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، تحقيق سید کسروی حسن، چاپ اول؛ دارالكتب العلمیه، بیروت، ١٩٩٠.
١٢. الجودر، صلاح، مساجد المحرق، تاريخ و آثار، اداره الاقاف السنیه، بحرین، ٢٠٠٣ م.
١٣. امین، سید محسن، أعيان الشیعه، مطبعه الانصاف، بیروت، ١٣٨٠ ق.
١٤. بختیاری، علی اکبر، سیرجان در آینه زمان، چاپ اول؛ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، کرمان، ١٣٧٨.
١٥. بغدادی، احمد، تاريخ بغداد، دارالكتب العلمیه، بیروت.
١٦. بلوشی، ابراهیم، کرمان فی العهد البویهی، المجمع الثقافی، امارات، أبوظبی، ٢٠٠٤ م.

۱۷. تشید، علی اکبر، *تیام سادات علوی*، انتشارات بنگاه مجله تاریخی اسلام، ۱۳۳۱.
۱۸. تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، دارالاوضاء، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۱۹. جابری، میرزا حسن خان، *تاریخ اصفهان*، انتشارات روزنامه و مجله خرد.
۲۰. جنیدی، عیسی، هزار مزار، ترجمه دکتر نورانی وصال، چاپ اول: انتشارات کتابخانه احمدی شیراز، ۱۳۶۴ ش.
۲۱. حموی، یاقوت، *معجم الأدباء*، ترجمه عبدالحمید آیتی، چاپ اول: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲۲. دجیلی، جعفر، *موسوعه النجف الأشرف*، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. ذهبی، شمس الدین، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الازئوط، چاپ یازدهم: مؤسسه رساله، بیروت، ۱۹۹۶ م.
۲۴. رستگار، محمدحسین، بارگاه نور، چاپ اول: انتشارات آستان مقدس احمدی، شیراز، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، چاپ دهم: دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۹۹۲ م.
۲۶. زرکوب، احمد، *شیرازنامه*، تصحیح بهمن کریمی، تهران، ۱۳۱۰ - ۱۳۵۰.
۲۷. رمخشی، محمودبن عمر، *ربیع الابرار و نصوص الأخبار*، تحقیق سلیمانی، چاپ اول: منشورات دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. سلطانزاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، چاپ اول: آگاه، ۱۳۶۴.
۲۹. سمهودی، *خلاصه الوفاء بأخیار دارالصطوفی*، دارإحياء الكتب العربية، قاهره، ۱۳۶۷ ق.
۳۰. سهمی، حمزه، *تاریخ جرجان*، دائرة المعارف العثمانیه، چاپ اول: حیدرآباد رکن، هند، ۱۳۶۹ ق.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن، *بغیه الدعاہ فی طبقات اللغویین والتحاہ*، المکتبه العصریه، بیروت.
۳۲. شالچی، نسرین، *نجف کانون تشیع*، چاپ اول: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
۳۳. شبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.

۳۴. شیرازی، فرقه دوله، آثار العجم، تحقیق علی دهباشی، فرهنگ سراء، تهران، ۱۳۶۲.
۳۵. شیرازی، معین الدین، شد الأزار فی حظ أوزار عن زوار المزار، تصحیح محمد قزوینی، مجلس ارشاد، بی‌نام، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. شیخ مفید، محمد، ارشاد، بی‌نام، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. صفائی، صالح، الوافق بالوفیات، تحقیق احمد الارناوط، چاپ اول: دارالإحياء للتراث العربي، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. طعمه، سلمان هادی، تراث کربلا، چاپ دوم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. عبدالله، لعل الصدف فی تاريخ النجف، مهربان، ۱۳۷۹ ش.
۴۰. فسایی، میرزا حسن، فارس‌نامه ناصری، تصحیح منصور استگار فسایی، چاپ اول: انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۴۱. فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، نشر صبا، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
۴۲. همو، چگونگی فرمان‌روایی عضد‌الدوله دیلمی، چاپ اول: نشر پرتو، تهران، ۱۳۷۳.
۴۳. قمی، شیخ عباس، الکنی والألقاب، منشورات مکتبة الصدر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۷.
۴۴. کسایی، نورالله، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۴۵. لسترنج، سرزمن‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ چهارم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
۴۶. مافروخی، مفضل، محاسن اصفهان، تحقیق جلال‌الدین حسینی، چاپ پنجم: نشر اقبال، ایران.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۴۸. مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، نشر طه، قزوین، ۱۳۷۸.
۴۹. مسعودی، علی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق محمد محبی‌الدین عبدالحمید، المکتبه العصریه، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۵۰. مسکویه، ابوعلی رازی، تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ اول: دار سروش، تهران، ۱۳۷۹.

۵۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، تحقیق محمد مخزوم، داراحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۵۲. مجد الأشراف، محمد، رساله آثار احمدیه، چاپ میهن، ۱۳۵۳ ش.
۵۳. ملک الشعرا، مجمل التواریخ و الفصوص، نشر بهار، تهران، ۱۳۱۸.
۵۴. موسوی، ابراهیم، جامع الأنساب در تاریخچه امامزاده‌ها، نشر کتابفروشی، بوذرجمهری، تهران.
۵۵. نویری، نهایه الأرب فی فنون الأدب، دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ ق.